

اثربخشی آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان خود مشاهده گری مادران در منطقه ۱۰ شهر تهران

ریحانه نوروزی^۱، مژگان مردانی راد^۲

^۱ کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی- ایران.

^۲ استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی- ایران.

نام نویسنده مسئول:

ریحانه نوروزی

r.e.h.no.c.97@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

چکیده

هدف پژوهش، اثربخشی آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان خود مشاهده گری مادران می باشد. روش تحقیق در این پژوهش: روش آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری: شامل ۶۰ نفر از مادران مراجعه کننده به فرهنگسرای قرآن منطقه ۱۰ تهران می باشند. نمونه: ۳۰ نفر از بین مادران مراجعه کننده بود که از طریق نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات: پرسشنامه های سبک فرزندپروری بامریند، خودارزشیابی مرکزی جاج و همکاران، که برای تجزیه و تحلیل از آزمون شاپیرو ویلک (جهت بررسی نرمال بودن داده ها) و از آزمون کوواریانس استفاده گردیده است. نتایج نشان می دهد که آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان خودمشاهده گری مادران تأثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: سبک های فرزندپروری، خود مشاهده گری، مادران.

مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

فرزندپروری فعالیت پیچیده ای شامل روش ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان شان است. البته باید توجه داشت که در این تعریف روش های بهنجار فرزندپروری مورد نظر است. بامریند، روش های فرزندپروری را بر اساس تفاوت های آن در کنترل فرزندان، متمایز کرده است. اگرچه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی به نظر می رسد که همه ی والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان، نقش اولیه را بر عهده دارند. تحقیقات معاصر در شیوه های فرزند پروری، از مطالعات بامریند روی کودکان و خانواده های آنان نشأت گرفته است. استنباط بامریند از شیوه های فرزند پروری بر روی یک رویکرد شیب شناسی بنا شده است. که بر روی ترکیب فرزند پروری متفاوت، متمرکز است. تفاوت در ترکیب عناصر فرزندپروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواست های بالغانه، نظارت و

سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخ های کودک به تأثیر والدین ایجاد می کند (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳).^۱ بامریند^۲ (۱۹۹۱) چهار شیوه فرزندپروری را نام می برد که عبارتند از: ۱- مقتدرانه: در این شیوه تربیتی، محبت و کنترل والدین نسبت به فرزندان، زیاد است. ۲- مستبدانه: والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و همچنین بر فرزندان خود کنترل بسیاری به کار می گیرند. ۳- آسان گیرانه: والدین آسان گیر نسبت به فرزندان خود کنترل کمتری دارند و محبت نسبت به آن ها زیاد است و مهرورزی خط وسط الگوی موجود را به خود اختصاص می دهد. ۴- مسامحه کارانه: در این شیوه تربیتی، کنترل و محبت به فرزندان در کمترین سطح قرار دارد. هدف در فرزندپروری در چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، آسان گیرانه و مسامحه کارانه برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است. سبک های فرزندپروری از جمله مفاهیمی است که مطرح کننده روش ها و فنون برخورد والدین با فرزندان در خانواده می باشد. دارلینگ و استرنبرگ (۱۹۹۳)،^۳ (به نقل از حیدری خواه، ۱۳۹۰) سبک های فرزندپروری را منظومه ای از نگرش ها، نحوه برقراری ارتباط و روش نگهداری فرزند و همچنین جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین تعریف می کنند. سبک های فرزندپروری از سه جنبه مورد بررسی قرار گرفته اند: اهداف مربوط به جامعه پذیری، عملکرد والدین در کسب اهداف از سوی فرزندان و جو عاطفی حاکم بر خانواده. منظور از اهداف، نتایج و غایت هایی است که والدین در جریان جامعه پذیری فرزندان خود در پی آن هستند. مقصود از عملکرد والدین نیز مجموعه کنش های پدر و مادر، در نهایت منظور از جو عاطفی، مجموعه روابط عاطفی، دلبستگی ها و انسجام میان اعضای دیگر خانواده می باشد (استرنبرگ، ۲۰۰۱).^۴ نوع سبک فرزندپروری که والدین از خود نشان می دهند بر رشد کودک تأثیر بسیاری می گذارد (بورن استین و زلوتنیک، ۲۰۰۸).^۵ پژوهش های مربوط به ارتباط والدین با کودک، که نگرش ها و اعمال والدین را در فرایند فرزندپروری مورد بررسی قرار داده اند، تحت تأثیر کارهای بامریند و بوری (۱۹۹۱) قرار دارد که به طور کلی سه الگوی حاکم بر روابط والدین و فرزندان را مطرح کرده است: قاطع، سهل گیر و مستبد. بنابراین هر خانواده شیوه خاصی در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد. این شیوه ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می شود متأثر از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... است. شیوه های فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه ای از رفتارها که تعاملات والد- کودک را در طول دامنه ی گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند، تعریف شده است. که این شیوه ها یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می آورد (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳).

به همین خاطر در اینجا از مهارت خود مشاهده گری (خود ارزشیابی مرکزی) که در این راستا می تواند به والدین کمک نماید، یاد می کنیم. خود مشاهده گری عبارت است از آگاهی و دقت در حالات، افکار و احساسات خود، که به واسطه آن می توان بسیاری از عادات و رفتارهای نامطلوب را در خود کنترل و یا حذف نمود. منبع خود مشاهده گری با به کارگیری سیستم خودتنظیمی می تواند بسیاری از افکار، عواطف و در کل شناخت ما را تحت کنترل درآورد (ولز، ۲۰۰۱). خود ارزشیابی های مرکزی از لحاظ معنایی به خود مشاهده گری نزدیک تر است، خود ارزشیابی مرکزی یک مدل کلی و یکپارچه از صفات شخصیتی است که در سال ۱۹۹۷ توسط جوج، لوکی و دورهام معرفی گردید. خود ارزشیابی های مرکزی شامل ارزشیابی های اساسی هستند که افراد درباره خودشان، جهان و دیگران دارند (دورمن، فای، زاپف و فریسی ۲۰۰۶): خود ارزشیابی های مرکزی عقاید شخص دربارہ توانمندی ها (کنترل زندگی) و کفایت هایش (عملکرد، فرایند مقابله، موفقیت) را در بر می گیرند (بنو و جوج، ۲۰۰۳).^۱ لوجج و همکاران^۲ (۱۹۹۷) به منظور طراحی مدل خود ارزشیابی های مرکزی، از چهار صفت خاص شامل: عزت نفس، کانون کنترل، روان نژندگرایی و خودکارآمدی کلی استفاده نمودند.

¹ Darling and sternberg

² baumrind

³ Darling and sternberg

⁴ sternberg

⁵ Bornstein and Zlotnik

⁶ Bamrind and Bori

⁷ Darling and sternberg

⁸ Wells

⁹ Jog ,Loki and Durham

¹ Dorman ,Zappe and Pharisee

0

¹ Benno and Jog

1

¹ Jog

2

آیا آموزش سبک‌های فرزندپروری بر میزان خود مشاهده گری مادران، تأثیر دارد؟

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

نتایج تحقیقات تأیید کننده اهمیت رابطه ی سبک‌های فرزندپروری والدین با رفتارهای فرزندان در زندگی حال و آینده‌شان است. (تیلور و همکاران ۲۰۰۴؛ گیومند ۲۰۰۶ و هاور و همکاران ۲۰۰۷).^۱ از جمله این تحقیقات، بوگارت^۴ (۲۰۰۹) به بررسی رابطه ی درک دانشجویان از سبک دلبستگی با سبک‌های فرزندپروری والدین پرداخته است. نتایج این تحقیق اهمیت سبک فرزندپروری و نفوذ والدین را بر دلبستگی دوران بزرگسالی نشان می‌دهد. در واقع مهارت پدر و مادر می‌تواند تأثیر فوق‌العاده‌ای بر سلامت روانی و رفاه کودکان بگذارد، از این رو بهبود مهارت‌های فرزندپروری به سلامت روانی، عاطفی و اجتماعی فرزندان منجر می‌شود (بوگارت، ۲۰۰۹).^۵ انسان‌ها (کودکان) در بدو تولد مانند کاغذ سفیدی هستند که هنوز چیزی بر روی آن نوشته نشده است (راموز، ۱۹۷۶: ۱۱۹) هر آنچه که ما بر روی آن‌ها بنویسیم، در آینده همان را خواهیم خواند. به عبارت دیگر، شخصیت اجتماعی و فرهنگی فرزندان توسط خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و محیط‌های اجتماعی دیگر ساخته می‌شود. یعنی، قاعدتاً شکل، فرم و محتوی هر کدام از این منابع، نسبتاً مشابه شکل، فرم و محتوی شخصیت روانی، اجتماعی و هویت فرهنگی جوانان خواهد بود. در مواقعی که خانواده بتواند با روابط آموزشی صحیح، فرزند را به سمت خود جذب کند، تأثیر نیروهای دیگر حتی در صورتی که مخالف با فرهنگ رایج خانواده باشند، به حداقل خواهد رسید و در صورت موافقت نیز تشدید خواهد شد. در صورتی که خانواده با روابط ناصحیح خود نقش دافعه را نسبت به فرزند داشته باشد، طبیعتاً، منابع دیگر که رابطه ای بهتر و آموزشی تر از خانواده ایجاد کنند، می‌توانند بر روی چگونگی شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی فرزندان اثر بسزایی داشته باشند. از منظری دیگر، در صورتی که رابطه ی خانواده، رابطه ای بر اساس دموکراسی و آزادی باشد، اولاً، فرزند بیشتر به سمت خانواده تمایل نشان خواهد داد، ثانیاً، جنبه اجتماعی شدن او بیشتر تقویت شده و وی نقش فعال تری را در جامعه ایفا می‌کند. در غیر این صورت غالباً دیده شده که فرد منزوی بوده و با محیط اطراف خود منفعلانه بر خورد خواهد کرد. این منابع بطور یکسان عمل نکرده و تأثیر یکسانی بر روی افراد جامعه ندارند. در بعضی از افراد، خانواده و در افراد دیگر، مدرسه و در تعدادی دیگر، ممکن است رسانه‌ها بیشترین تأثیر را داشته باشند. اما، همانطوری که تحقیقات نشان می‌دهند، بیشترین تأثیر در روند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری انسان، در نتیجه، شخصیت روانی و فرهنگی او تا قبل از ۶ سال پایه ریزی می‌شود و این زمان را انسان بیشتر در خانواده می‌گذراند (دادسون، ۱۹۷۲).^{۱۷}

۳-۱. پیشینه

در تحقیق توزنده جانی، حسن و همکاران (۱۳۹۰). یافته‌ها مبنی بر این است که شیوه فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه سهل گیرانه و مستبدانه بر افزایش خودکارآمدی تأثیر معنی داری داشته است. و همچنین در تحقیق یوسف زاده، ایمان و همکاران (۱۳۹۳)، یافته‌ها مبنی بر این است که شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه مادران با خودکارآمدی فرزندان معنادار است. این پژوهش قصد دارد به این سؤال که آیا آموزش سبک‌های فرزندپروری بر میزان خود مشاهده گری مادران تأثیر دارد، پاسخ دهد.

۴-۱. اهداف پژوهش

هدف کلی: تعیین اثربخشی آموزش سبک‌های فرزندپروری بر میزان خود مشاهده گری مادران در منطقه ۱۰ شهر تهران
هدف ویژه (جزئی): تعیین اثربخشی آموزش سبک‌های فرزندپروری بر ابعاد خود مشاهده گری (عزت نفس، کانون کنترل، روان نژندگرایی و خودکارآمدی) مادران.

¹ Taylor et al ; Giomand and Havar et al. 3

¹ Bogart 4

¹ Bogart 5

¹⁰ Ramos

¹ Dadson 7

۱-۴-۱. فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی: آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان خود مشاهده گری مادران، تأثیر دارد.
فرضیه فرعی: آموزش سبک های فرزندپروری بر ابعاد خود مشاهده گری (عزت نفس، کانون کنترل، روان نژندگرایی و خودکارآمدی) مادران، تأثیر دارد.

۱-۵. روش تحقیق

این پژوهش از نوع روش آزمایشی با طرح "پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل" است. جامعه آماری مادران ساکن در منطقه ۱۰ شهرداری تهران می‌باشد که در سال ۱۳۹۸ در این منطقه از تهران ساکن بوده و در برنامه‌های فرهنگسرای قرآن این منطقه شرکت می‌نمایند. نمونه آماری در این پژوهش تعداد ۶۰ نفر از مادران فرهنگسرای قرآن هستند که ۳۰ نفر از آن‌ها برای شرکت در دوره سبک‌های فرزندپروری اعلام آمادگی نمودند. و بصورت دسترس می‌باشد. (یعنی حجم نمونه ۳۰ نفر می‌باشد) که تعداد ۱۵ نفر از این افراد به عنوان گروه کنترل و تعداد ۱۵ نفر مابقی به عنوان گروه آزمایش در نظر گرفته شد. (لازم به ذکر است از ۱۵ نفری که به عنوان گروه کنترل و همچنین از ۱۵ نفری که به عنوان گروه آزمایش بودند، قبل و بعد از برگزاری کارگاه، آزمون گرفته شد). در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. (این دوره در بازه زمانی اسفند ۹۷ الی خرداد ۹۸ برگزار شد) گروه کنترل چه در مرحله پیش‌آزمون و چه در مرحله پس‌آزمون تحت مداخله متغیر مستقل قرار نمی‌گیرد و گروه آزمایش تحت مداخله متغیر مستقل (در این پژوهش دوره آموزش سبک‌های فرزندپروری) قرار می‌گیرد و سپس نتایج پرسشنامه‌های بعمل آمده از دو گروه، مقایسه و نتایج با استفاده از آزمون آماری کوواریانس که یک آزمون مقایسه‌ای در طرح "پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل" می‌باشد، تبیین می‌گردد. در این تحقیق، از پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری بامریند، ناگویی هیجانی تورنتو، و برای تجزیه و تحلیل از آزمون شاپیرو ویلک (جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها) و از آزمون کوواریانس و نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. همچنین در این پژوهش به ملاک‌های ورود و خروج و شرایط اخلاقی در درمان و همچنین روش استفاده شده جهت آموزش سبک‌های فرزندپروری پرداخته شده است: ملاک‌های ورود: ۱- مادران دارای فرزند زیر ۱۲ سال ۲- دارای حداقل سواد خواندن و نوشتن، ملاک‌های خروج: عدم وجود ملاک خروج از تحقیق. شرایط اخلاقی: ۱- پژوهشگر نسبت به رعایت اصول اخلاقی توسط همکاران، دستیاران، دانشجویان و کارمندان نیز مسئول است. ۲- پژوهشگر نسبت به ارزشیابی مطالعه اش در پیروی از اصول اخلاقی مسئولیت دارد. ۳- پژوهشگر باید به آزادی افراد برای مشارکت در پژوهش یا کناره‌گیری از آن در هر زمان احترام بگذارد. ۴- پژوهشگر موظف است آزمودنی‌ها را در تحقیق نسبت به مسئولیت‌هایشان آگاه ساخته و تمام جوانب را که در آزمودنی‌ها اثر می‌گذارد دقیقاً روشن نموده و سؤالات آن‌ها را به روشنی پاسخ دهد. ۵- اطلاعاتی که در ضمن اجرای تحقیق از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌شود، بایستی محرمانه بماند.

جدول شماره (۱) : پروتکل جلسات آموزش- روش لین کلارک^۱(۱۹۳۸)

هدف	
۱- آشنایی و معرفی (اعضا) ۲- پرداختن به اهمیت تعلیم و تربیت و تعریف آن ۳- اجرای پیش آزمون	جلسه اول
۱- تعریف فرزندپروری ۲- معرفی سبک های فرزندپروری و خصوصیات هر سبک	جلسه دوم
۱- معرفی قواعد اساسی برای فرزندپروری مؤثر ۲- چگونگی استفاده از قوانین تقویت	جلسه سوم
۱- معرفی اشتباهات شایع والدین ۲- روش های تنبیه مناسب، آشنایی با برخی ناسازگاری ها و مشکلات رایج کودکان و نحوه مواجهه ی مناسب با آن ها	جلسه چهارم
آشنایی با ویژگی ها و شرایط رشدی کودکان و تأثیر منفی جملات انتقادی و مایوس کننده	جلسه پنجم
۱- مقایسه سبک های فرزندپروری با هم و کشف بهترین شیوه ۲- نتیجه گیری ۳- اجرای پس آزمون	جلسه ششم

۱-۵-۱. ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند

پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه های فرزندپروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱) ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. جمله های شماره ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۲۰، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۶، ۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۶، ۱ به شیوه سهل گیرانه و جمله های شماره ۲۶، ۲۵، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲، ۲۹، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۸، ۴، به شیوه قاطع و اطمینان بخش مربوط می باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات، نمره مجزا بدست می آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تأیید شده است. بورای^۱ (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه ی منفی با سهل گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد. و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی نداشت ($r=0/7$) (مهرفروز، ۱۳۷۸). بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش (باز آزمایی) استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد. ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. او همچنین (ثبات درونی) را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ) محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرفروز، ۱۳۷۸). در انستیتوی روان پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان شناسی و روان پزشکی (۲ نفر دکترای روان شناسی، یک نفر روان پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است.

¹ Lynn Clark

¹ Boray

پرسشنامه خودارزشیابی مرکزی جاج و همکاران (CSES)

مقیاس خود ارزشیابی‌های مرکزی در سال ۲۰۰۳ به منظور عملیاتی کردن مدل خودارزشیابی‌های مرکزی طراحی شده و مشتمل بر ۱۲ سوال می‌باشد. نمره‌گذاری مقیاس در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم صورت می‌گیرد و نمره‌ی بیشتر حکایت از خود ارزشیابی‌های مرکزی بالاتر دارد در این مقیاس سئوال‌ات ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰ و ۱۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. (جوج، اریز، بنو و ثورسن، ۲۰۰۳) پایایی مقیاس را با استفاده از ضریب پایایی متخصصان مطلوب به دست آوردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ مقیاس از طریق اجرا بر روی چهار نمونه مجزا بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۴ به دست آمده است. در ایران، روایی و پایایی مقیاس در پژوهش شریعتی، گروسی فرشی و باباپور، خیرالدین (۲۰۱۰) و با روش روایی صوری، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمده است. (شریعتی و همکاران، ۱۳۸۹).

منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است. (ساروخانی ۱۳۷۳: ۲۸۷).

اعتبار (پایایی)

یک مقیاس قابل اعتماد مقیاسی است که در آن افراد در دو موقعیت زمانی مختلف امتیاز یکسانی را به دست آورند. فقدان قابلیت اعتماد در یک مقیاس، ناشی از گویه‌های غیر قابل اعتماد است، بنابراین لازم است هر گویه را برای قابلیت اعتماد آن بیازمائیم.

مقیاس تک بعدی مقیاسی است که در آن همه ی گویه ها مفهوم واحدی را اندازه گیری می کند که برای سنجش آن از تکنیک تحلیل گویه ها استفاده شده است. راه پی بردن به اینکه آیا پاسخ های مربوط به یک گویه خاص، با پاسخ های گویه‌های دیگر هماهنگی دارد یا خیر، محاسبه ضریب همبستگی میان نمره افراد در آن گویه و نمره آن ها در بقیه مقیاس است. این ضریب، ضریب گویه به مقیاس نامیده می‌شود. (Corrected Item-Total Correlation) ضریب همبستگی از ۰ تا ۱ در تغییر است. هر چه این ضریب بالاتر باشد تعلق گویه به مقیاس بیشتر آشکار می شود، بر اساس یک قاعده سرانگشتی اگر این ضریب کمتر از ۰/۳ باشد، باید گویه مربوط بدان از مقیاس حذف شود. (دواس، ۱۳۷۶: ۳۳۱) (همبستگی‌های گویه به گویه) این رهیافت سنج‌های برای اندازه‌گیری قابلیت اعتماد کلی مقیاس فراهم می‌کند. شاخص آن آماره‌ای است که " آلفای کرونباخ " نامیده می‌شود. این آماره از ۰ تا ۱ تغییر می‌کند، بر اساس یک قاعده سرانگشتی، آلفا باید حداقل ۰/۷ باشد تا بتوانیم بگوییم که مقیاس دارای قابلیت اعتماد است. (همان، ۳۳۲). با توجه به اینکه ابزار این تحقیق که پرسشنامه‌های پیش‌ساخته و استاندارد می‌باشد و پایایی آن ها قبلا مورد آزمون قرار گرفته و تأیید شده است برای کسب پایایی قابل اعتمادتر در جامعه آماری حاضر مجدداً از آزمون آلفای کرونباخ استفاده نموده‌ایم که نتایج آن نشان از وضعیت مطلوب پایایی متغیرها و شاخص‌های آن دارد و به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره (۲) : مربوط به وضعیت پایایی متغیرها و شاخص‌های تحقیق

متغیر	شاخص	میزان آلفا
سبک‌های فرزندپروری	سهل‌گیرانه	۰/۷۶۵۱
	استبدادی	۰/۸۱۰۲
	قاطعانه- مقتدرانه	۰/۷۷۴۹
خودارزشیابی	خودارزشیابی	۰/۷۵۱۳

۶-۱. یافته های تحقیق

۱-۶-۱. یافته های توصیفی (ویژگی های جمعیت شناختی افراد مورد بررسی)

جدول شماره (۳) : توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "سن"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
20.0	20.0	3	زیر ۳۰ سال	26.7	26.7	4	زیر ۳۰ سال
66.7	66.7	10	۳۰ تا ۴۰ سال	53.3	53.3	8	۳۰ تا ۴۰ سال
13.3	13.3	2	بالای ۴۰ سال	20.0	20.0	3	بالای ۴۰ سال
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب مربوط به سنین ۳۴ سال و ۴۰ سال و میانه در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب ۳۴ و ۳۷ و نیز میانگین در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب ۳۴/۶۷ و ۳۵/۴۷ می باشد.

جدول شماره (۴) : توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "میزان تحصیلات"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
33.3	33.3	5	سیکل	13.3	13.3	2	سیکل
40.0	40.0	6	دیپلم	40.0	40.0	6	دیپلم
13.3	13.3	2	فوق دیپلم	6.7	6.7	1	فوق دیپلم
6.7	6.7	1	لیسانس	26.7	26.7	4	لیسانس
6.7	6.7	1	فوق لیسانس	6.7	6.7	1	فوق لیسانس
				6.7	6.7	1	دکترا
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش مربوط به تحصیلات دیپلم می باشد.

جدول شماره (۵): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "شغل"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
66.7	66.7	10	خانه دار	80.0	80.0	12	خانه دار
26.7	26.7	4	مربی	13.3	13.3	2	مربی
6.7	6.7	1	پزشک	6.7	6.7	1	پزشک
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش مربوط به شغل خانه‌داری می‌باشد.

جدول شماره (۶): توزیع آماره‌های مربوط به متغیر "خود ارزشیابی مرکزی"

انحراف معیار	تعداد	میانگین	مرحله/ گروه
۵,۴۹۶	۱۵	۳۹,۰۷	پیش آزمون کنترل
۴,۹۳۵	۱۵	۳۷,۷۳	پس آزمون کنترل
۴,۴۵۴	۱۵	۳۷,۴۷	پیش آزمون آزمایش
۶,۶۹۵	۱۵	۴۲,۴۰	پس آزمون آزمایش
۵,۶۷۵	۶۰	۳۹,۱۷	جمع

جدول (۶) مربوط به آماره‌های متغیر "خود ارزشیابی مرکزی" می‌باشد، همانطور که نتایج بدست آمده نشان می‌دهد میانگین پس‌آزمون آزمایش این شاخص حدود ۳ نمره بالاتر از میانگین کل می‌باشد و دارای تفاوت محسوسی با نمره پیش‌آزمون می‌باشد.

۲-۶-۱. یافته‌های تحلیلی

جدول شماره (۷): مربوط به مقایسه میانگین متغیر "خود ارزشیابی مرکزی" در دو گروه آزمایش و کنترل با پیش‌آزمون و پس‌آزمون

Tests of Between-Subjects Effects

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مرحله/ گروه	میانگین	F	سطح معناداری
Corrected Model	430.261(a)	2	پیش آزمون کنترل	39.07	8.279	.002
Intercept	127.411	1	پس آزمون کنترل	37.73	4.903	.035
خود ارزشیابی مرکزی	266.928	1	پیش آزمون آزمایش	37.47	10.272	.003
گروه	233.381	1	پس آزمون آزمایش	42.40	8.981	.006
خطا	701.606	27	جمع	39.17		

در جدول شماره (۷)، نتایج آزمون کوواریانس برای مقایسه میانگین نمره متغیر "خود ارزشیابی مرکزی" در دو گروه آزمایش و کنترل با پیش‌آزمون و پس‌آزمون آورده شده است. در ردیف متغیر خود ارزشیابی مرکزی در پیش‌آزمون مقدار F تأثیر متغیر در پیش‌آزمون نشان داده شده است. این مقدار ۱۰,۲۷۲ است، چون سطح معناداری آن (۰/۰۰۳) کوچک تر از ۰/۰۱ است، این شرط همبستگی متغیر همپراش و مستقل رعایت شده است و استفاده از تحلیل کوواریانس صحیح است.

بر طبق مقدار آزمون $F(8,981)$ و با توجه به درجه آزادی $d.f=1$ ، با قبول خطای کمتر از 0.006 ($Sig=0/006$) و درجه اطمینان بیش از 0.99 می‌توان نتیجه گرفت بین این دو گروه از نظر میانگین نمره متغیر خود ارزشیابی مرکزی تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی فرضیه خنثی (H_0) که نشانگر عدم وجود رابطه است را نمی‌توانیم بپذیریم و رد می‌کنیم. نتایج آماره های استخراج شده نشان می‌دهد نمره متغیر خود ارزشیابی مرکزی در پس آزمون آزمایش به طور محسوسی افزایش یافته است.

۷-۱. بحث و نتیجه گیری

آموزش سبک‌های فرزندپروری بر خود مشاهده گری مادران تأثیر داد. که این نتیجه با نتایج تحقیقات تام، چانگ، کادیرولو و همکاران (۲۰۱۴) و پاترسون، باریشه و رامسی (۱۹۸۹) و شفیع پور و همکاران (۱۳۹۴) که رابطه ی مثبت و معناداری را بین خودکارآمدی و سبک فرزندپروری گزارش کرده اند، هم راستاست. همسو با این پژوهش ها، چان و کوهیون و سیاروچی (۲۰۰۸)، سیمونس و کانجر (۲۰۰۷)، جینس (۲۰۰۷)، هریس و گودال (۲۰۰۷) و توزنده جانی، توکلی زاده و لگزبان (۱۳۹۰) نیز بر این باورند که سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند منجر به بهبود خودکارآمدی (خود ارزشیابی) شود. در تبیین نتایج و برتری شیوه فرزندپروری مقتدرانه نسبت به دو شیوه فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه باید گفت که این والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ دهی می‌باشند. آن ها فرزندان خود را به عنوان افرادی با کفایت و موفق می‌بینند و از آن ها مطابق با توانایی شان انتظار دارند که این رویه زمینه را برای خودکارآمدی بالا (خود ارزشیابی) فراهم خواهد کرد. همچنین در ارتباط یا خود ارزشیابی مرکزی با یافته‌های توربرگ و همکاران (۲۰۱۱)^۸، ژاکل و همکاران (۲۰۱۲)^۹ و فورد (۲۰۱۲)^{۱۰}، تام و همکاران (۲۰۱۲)^{۱۱}، و حسینی (۱۳۹۲) همسو است. در این تحقیقات رابطه ی مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و خودکارآمدی بالا (خود ارزشیابی مرکزی) به دست آمده است. در تبیین یافته ها می‌توان گفت سبک فرزندپروری قاطع باعث افزایش عواملی چون عزت نفس، نظم دهی هیجانی و خودکارآمدی در مادران خواهد شد. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری بر روی شرکت کنندگان در دوره بوده و نشان می‌دهد مطالب ارائه شده در کارگاه آموزشی به صورت محسوس و معناداری میزان خود مشاهده گری (خودارزشیابی مرکزی) را بهبود بخشیده است.

محدودیت ها شامل: عدم حضور پدران در دوره آموزش سبک های فرزندپروری؛ تنها ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه بود که جنبه خودگزارشی دارد؛ وجود محدودیت مکانی (این تحقیق در شهر تهران صورت گرفته است و نمی‌تواند نتایج آن به شهرهای دیگر تعمیم داده شود). پیشنهادات پژوهشی: در تحقیقات بعدی، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به عامل همسان بودن شرکت کنندگان از لحاظ وضعیت اجتماعی- اقتصادی و تفاوت های فرهنگی و حضور پدران، در دوره آموزش سبک های فرزندپروری، توجه کنند. پیشنهاد کاربردی: پیشنهاد می‌گردد که با برگزاری جلسات آموزشی و برنامه‌هایی مانند ایفای نقش (بازی نقش) توانایی مادران را در بالا بردن میزان خود ارزشیابی مرکزی که شامل احترام به خود، بالابردن باور خود نسبت به شایستگی ها، عدم تمرکز بر جنبه های فرعی مسائل و اسناد مناسب شکست ها و موفقیت ها به عوامل درونی و بیرونی است، افزایش دهند که این عامل می‌تواند زمینه ی ارتباط بهتر با فرزندان شان باشد.

سپاس گذاری

باتشکر از تمام کسانی که در این تحقیق بنده را یاری نمودند.

- | | |
|----------------------------------|---|
| 2 Chang, Cadirolo et al | 2 |
| 2 Patterson, Barisheh and Ramsey | 3 |
| 2 Chan, Kuhyun, and Siaruchi | 4 |
| 2 Simmons and Conger | 5 |
| 2 Jeans | 6 |
| 2 Harris and Gudal | 7 |
| 2 Thorberg et al | 8 |
| 2 Jacqueline et al | 9 |
| 3 Ford | 0 |
| 10 Tom et al | |

مراجع

- ۱) اتکینسون، ریتال. ال و همکاران؛ زمینه روانشناسی، رفیعی و همکاران، تهران، ارجمند، ۱۳۸۴، چاپ پنجم، جلد دوم، ص ۵۱ و ۵۲.
- ۲) اسفندیاری، غ. (۱۳۷۴). بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- ۳) آهنگرانزایی، احد، پرویز شریفی و رباب فرج زاده (۱۳۹۰). رابطه ی سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر، مجله ی پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، سال اول، شماره ۱، پائیز و زمستان ۹۰: ۸-۱.
- ۴) پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم و اله یاری، حمیده. (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام. مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۱۴، صص ۱۳۸-۱۱۵.
- ۵) توزنده جانی، حسن و همکاران. (۱۳۹۰). اثربخشی شیوه های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور. افق دانش؛ فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، دوره ۱۷؛ شماره ۲؛ تابستان ۱۳۹۰.
- ۶) حسینی نسب، داوود. احمدیان، فاطمه . روان بخش، محمدحسین. (۱۳۸۴). بررسی رابطه ی شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روان. مطالعات تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، (۱)۹، ۲۱-۳۶.
- ۷) خانجانی، زینب و محمودزاده، رقیه. (۱۳۹۲). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان شاغل و غیرشاغل. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۳۷-۵۲.
- ۸) شریعتی، مریم. گروسی فرشی، میرتقی. باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۸۹). کارآیی مدل خود ارزشیابی های مرکزی در پیش بینی بهزیستی ذهنی. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش در سلامت روانشناختی، دوره سوم، شماره ۴.
- ۹) شکوهی، یکتا، م، و پرند، ا. (۱۳۸۷). سبک فرزندپروری والدین و رابطه ی آن ها با ویژگی‌های رفتاری و پیشرفت تحصیلی فرزندان. فصلنامه مطالعات جوانان، ۱۴ و ۱۵، ۶- ۲۰.
- ۱۰) یوسف زاده، ایمان و همکاران (۱۳۹۳). بررسی خودکارآمدی و خوش بینی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و ارتباط آن با سبک فرزندپروری مادران. مجله زن و مطالعات خانواده، ۲۳ (۷)، ۱۲۴-۱۲۷.
- ۱۱) هاشمی شیخ شبانی، سیداسماعیل. بشلیده، کیومرث. تقی پور، منوچهر. نیسی، عبدالکاظم (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس خودارزشیابی های مرکزی. پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول